



حکیمان

خطبه 26 دسامبر 2021
متی 2: 12-1
واعظ: مت کاسوفسکی

مقدمه

متن امروز از متی 2: 12-1 است.
که کلمنت برای ما خوانده است.
اجازه دهید وقتی شروع به مطالعه آن می کنیم برای ما دعا کنیم.

خدای من، صخره من و نجات دهنده من، سخنان دهان من و مراقبه قلبم برای تو خوشایند باشد.
باشد که روح مردم شما امروز سیر شود تا در قلب و فکر و رفتار آنها دگرگون شود.
به جلال نام مقدست.
آمین

امروز با طرح سه سوال به این داستان می پردازیم.
اینها برای کسانی از شما که یادداشت برداری می کنند مفید خواهند بود.
آنها همچنین به شما در درک ایده بزرگ در پایان کمک می کنند.
بنابراین در اینجا آنها هستند:

سوال 1: هیروودیس در عیسی چه دید؟

سوال 2: حکیمان در عیسی چه دیدند؟

سوال 3: حکما چه کردند؟

همانطور که ما این سوالات را در مورد متن می پرسیم، این سوالات را درباره خودمان نیز می پرسیم.
ما کلام خدا را در زندگی خود به کار می بریم.
وقتی کتاب مقدس را مطالعه می کنیم این نوع چیزها ضروری است.
ما فقط داستان های جالب را مطالعه نمی کنیم.
و جالب هستند!
ما فقط داستان های واقعی را مطالعه نمی کنیم.
و آنها حقیقت دارند!
ما داستان هایی را مطالعه می کنیم که از جانب خداست.
داستان هایی که طرز تفکر، احساس و عمل ما را تغییر خواهند داد.

حالا بیایید به سوال اول خود نگاه کنیم:

هیروودیس در عیسی چه دید؟

من با هیروودیس شروع می کنم زیرا او نمونه ای از زندگی بدون خدا است.

اینم عکسش

برخی از محققان فکر می کنند که مجسمه سمت چپ او است، اما ما نمی توانیم 100٪ مطمئن باشیم.

تصویر سمت راست نحوه نمایش هیروودیس در فیلمی درباره تولد عیسی است.

در واقع فیلم شایسته ای است

چهره بازیگر فیلم به خوبی نشان دهنده نگرش هرود نسبت به زندگی است.

او به دو چیز معروف بود:

1. ابتدا هیروودیس عمر خود را صرف ساختن ساختمان های عظیم کرد.

او معبد را بازسازی کرد و بزرگ بود.

او بندر یک شهر بزرگ را بازسازی کرد.

او قلعه های بسیاری ساخت.

2. دوم، هیروودیس مردی بسیار خشن بود.

او همسر دوم و سه پسرش را اعدام کرد.

و اگر به خواندن در متی 2 آیات 16-18 ادامه دهید، خواهید خواند که پس از فرار عیسی و خانواده اش به مصر، هیروودیس هر

پسر زیر دو سال را در بیت لحم کشت.

آن چیز وحشتناک بعد از داستان ما می آید.

در داستان خود، بیایید به اولین پاسخ هیروودیس به حکیمان در متی 2 آیه 3 نگاه کنیم.

«هیروودیس پادشاه این را شنید، مضطرب شد.»

همه ما وقتی مشکلی را می بینیم و راه حل آن را نمی دانیم دچار مشکل می شویم.

هیروودیس عیسی را مشکل می دید.

عیسی یک مشکل بود زیرا عیسی تهدیدی برای قدرت هیروودیس بود.

عیسی تهدیدی برای زندگی راحت هیروودیس بود.

هیروودیس پادشاه بود و می خواست پادشاه بماند.

به همین دلیل همسر و سه پسرش را کشت.

توجه کنید که او از چنان قدرتی برخوردار بود که حتی مردم اورشلیم نیز نگران هستند که شخص دیگری به جز هیروودیس پادشاه

شود.

می گفتند مردم همیشه از هیروودیس می ترسیدند.

اما هیروودیس متوجه چیزی در مورد این مردان خردمند می شود.

او نمی تواند آنها را بترساند.

نگاه کنید بعد از اینکه متوجه شد عیسی پادشاه کجا به دنیا خواهد آمد به حکیمان چه می گوید.

این در متی 2 آیه 8 است.

برو و در جستجوی کودک باش و چون او را یافتی به من خبر بده تا من هم بیایم و او را بپرستم.

می دانیم که هیروودیس دروغ می گوید.
ما می دانیم که هیروودیس وانمود می کند که با حکیمان مهربان است تا بتواند عیسی را پیدا کند و او را بکشد، همانطور که با پسران خود کرد.

اما هیروودیس نمی تواند جلوی نقشه های خدا را بگیرد.
در متی 2 آیه 12 به حکیمان در خواب هشدار داده می شود که نزد هیروودیس برنگردند.
آسان است که به هیروودیس نگاه کنیم و خود را در او نبینیم.
کشتن فرزندان خود برای حفظ قدرت خود واقعاً بسیار بد است!

اما در عین حال، آیا گاهی اوقات عیسی را تهدیدی برای زندگی راحت خود می بینیم؟
آیا چیزهایی در زندگی ما وجود دارد که بیشتر از عیسی دوست داشته باشیم؟
می بینی، عیسی همه چیز را برای تو داد.
او روی صلیب مرد تا شما با خدا صلح کنید!
این انجیل است.
این خبر خوبی است.
ببینید عیسی در این دو آیه چه می گوید.

متی 10:39b می گوید:
هر که جان خود را به خاطر من از دست بدهد، آن را خواهد یافت.
عیسی در اینجا در مورد زندگی ابدی صحبت می کند.
اگر جان خود را به او بدهید، زندگی جاودانی خواهید یافت.
با خدا شادی و آرامش خواهی یافت.

اما خدا هنوز هم قدرت نهایی شماست.
در واقع، از آنجایی که عیسی خداست، او نیز همین اختیار را دارد.
به این آیه دوم در متی 10:37 نگاه کنید.
هر که پدر یا مادر را از من بیشتر دوست بدارد لایق من نیست و هر که پسر یا دختری را از من بیشتر دوست بدارد لایق من نیست.

برخی از شما هنوز به مسیح اعتماد نکرده‌اید، و این حقیقت به شما کمک می‌کند تا تعلیم عیسی را در نظر بگیرید.
توکل بر او به معنای صلح واقعی با خداست.
اما ما نمی توانیم فراموش کنیم که او این اختیار را دارد که از ما هر چیزی بخواهد.

بنابراین این آیات به ما کمک می کند تا در نظر بگیریم که چگونه ممکن است در این داستان کمی شبیه هرودس پادشاه باشیم.
هیروودیس قدرت خود را بیش از هر چیز دوست داشت.
حالا به چیزهایی فکر کنید که در زندگیتان بیشتر از همه دوست دارید.
اگر عیسی از شما می پرسید، آیا می توانید آن چیزها را تسلیم کنید؟
صادق باشید.

اگر شما هم مثل من هستید، چیزهایی وجود دارد که بدون کمک خدا تسلیم شدن آنها غیرممکن است. این مشکلی است که همه ما با آن روبرو هستیم. برای هر یک از ما، عیسی از ما می خواهد که از هر چیزی که او خواهد صرف نظر کنیم. خودخواهی در ملکوت او جایی ندارد.

وقتی به از دست دادن چیزهایی که بیشتر دوست دارید فکر می کنید، و از انجام آن می ترسید، در کار سخت سپردن قلب خود به عیسی پیش می روید. خودخواهی مشکلی ریشه دار در قلب ماست. برای از بین بردن آن باید به خدا اجازه دهید که در آنجا باشد. و این مستلزم ایمان است. ایمانی که از چند جهت توسط خردمندان در این داستان به نمایش گذاشته شده است.

بنابراین ما را به سؤال دوم خود سوق می دهد. حکیمان در عیسی چه دیدند؟ در حالی که تاریخ اطلاعات زیادی در مورد هیروودیس دارد، ما چیز زیادی در مورد این مردان نمی دانیم. متی 2 آیه 1 می گوید که آنها از "مشرق" هستند. افراد مختلفی در شرق بیت لحم و اورشلیم زندگی می کنند! آنها می توانند ایرانی یا بابلی باشند، از آنچه امروز عراق یا ایران است. یا ممکن است عرب باشند. بسیاری از اعراب درست در شرق پادشاهی هیروودیس زندگی می کردند. یا خردمندان می توانند از شرق دورتر باشند، احتمالاً اجداد اویغورها، افغان ها، پاکستانی ها. آنها حتی می توانند چینی باشند! معلمان کتاب مقدس واقعاً نمی دانند. اما آنها در یک چیز اتفاق نظر دارند. این افراد به احتمال زیاد یهودی نبودند.

به همین دلیل است که خداوند آنها را با ستاره ای هدایت می کند. این مردها کتاب مقدس نداشتند. اگر این کار را می کردند، نیازی به صحبت با هیروودیس نداشتند! نه، خدا اینها را از طریق خلقت خود رهبری کرد. ستاره ای که او خلق کرد.

اکنون خدا می تواند به شیوه ای مشابه با ما صحبت کند. من نمی گویم که باید ستاره ای را دنبال کنیم که به سمت غرب به کلرادو یا چیزی شبیه به آن می رود. راهی که خداوند این مردان خردمند را هدایت کرد خاص بود. اما خدا می تواند با همه شما به روش های دیگری صحبت کند. من یک پیشنهاد ارائه خواهم کرد.

این عکس از راه شیری در آسمان شب است.

اگر به جایی دور از نور شهر سفر می کنید، می توانید آن را ببینید.
خداوند تک تک ستاره های آن عکس را آفرید.
تعداد آنها بیشتر از آن چیزی است که بتوانید بشمارید.
بیشتر آنها از خورشید ما بزرگتر هستند.
وقتی آنها را می بینیم به یاد می آوریم که خدایی که آنها را ساخته است همان خدایی است که موهای سر شما را می شمارد.

وقتی می گویم "خدا موهای سر شما را می شمارد" این از لوقا 12:7 آمده است.
این از کلام خدا می آید.
این کتاب مقدس است.
این گونه است که خدا به وضوح شناخته می شود.

وقتی می بینیم که چگونه رهبران مذهبی هیروودیس به این سؤال در متی 2 آیه 4 پاسخ می دهند، می بینیم که کلام خدا چگونه وارد این داستان می شود: "مسیح در کجا متولد می شد؟"
این رهبران مذهبی به ستاره ها نگاه نمی کنند.
آنها به مکاشفه خدا در کتاب مقدس نگاه کردند.
در آن زمان تنها چیزی که آنها داشتند عهد عتیق بود.

جالب است که از این کلمه «مسیح» استفاده کردند.
منظورش چی بود؟
ما این کلمه را بیشتر به خاطر عیسی مسیح می دانیم.
تقریباً شبیه نام خانوادگی اوست.
اما معنای واقعی آن «مسیح» است.
"مسیح" شکل یونانی یک کلمه عبری بود که کمی شبیه "مسیح" بود.
در اینجا لیستی از برخی از ترجمه های مستقیم آمده است.

ساده ترین راه برای تعریف "مسیح" شخصی است که برای نجات قوم خدا انتخاب شده است.
در واقع پیچیده تر از این است.
درک معنای این کلمه چیزی است که می توانید تمام زندگی خود را صرف آن کنید.
اما من روی دو چیز تمرکز می کنم:

(1) نخست این ایده است که مسیحا پادشاهی بود تا قوم خدا را رهبری کند.
متی (نویسنده این کتاب) از پیامبری نقل می کند که 700 سال قبل از او و تقریباً 1700 سال قبل از ما نوشته است.
نام این پیامبر میکاه است.
سخنان او در متی 2 آیه 6 آمده است.
آیا یادتان هست که هفته گذشته به این قسمت نگاه کردیم؟

متی 2:6.

«اما تو ای بیت لحم در سرزمین یهودا، به هیچ وجه در میان فرمانروایان یهودا کوچک نیستی، زیرا از تو حاکمی خواهد آمد که قوم من اسرائیل را شبانی خواهد کرد.»

حاکم راه دیگری برای گفتن پادشاه است.
بنابراین مسیح باید یک پادشاه باشد، اما یک نوع خاص از پادشاه.
این پادشاه مانند یک چوپان حکومت می کند.
در تاریخ، معمولاً در مورد یک پادشاه اینگونه صحبت نمی شود.

برخی از فرهنگ ها می گویند که پادشاه ابتدا باید یک مبارز شخصی بزرگ باشد.
او باید آنقدر قوی باشد که بتواند هر کس دیگری را که می خواهد پادشاه شود کتک بزند.
برخی از فرهنگ ها فکر می کنند که پادشاه ابتدا باید یک مرد خردمند یا دانشمند بزرگ باشد.
چه کسی بیشتر از بقیه می داند.
برخی از فرهنگ ها فکر می کنند که پادشاه ابتدا باید ثروتمندترین فرد باشد.
به این ترتیب او می تواند ساختمان های قوی و بزرگ بسازد و بزرگترین ارتش را استخدام کند.
برخی از فرهنگ ها فکر می کنند که پادشاه ابتدا باید یک رهبر بزرگ ارتش باشد.
زیرا اگر نتوانید ارتش را به پیروزی برسانید چه فایده ای دارد؟

البته اینها برای یک پادشاه چیز بدی نیست.
اما کتاب مقدس ابتدا و بیشتر در مورد شبان بودن پادشاه مسیحا صحبت می کند.
این امر بر رهبر تمرکز می کند تا از موجوداتی که بسیار نیازمند هستند و بسیار باهوش هستند مراقبت کند.
مراقبت از گوسفند کار سختی است!
از هر چوپانی در مورد آن بپرسید!

بنابراین، پادشاه مسیحا نباید رهبر قدرتمندان بزرگ و قوی باشد، بلکه باید رهبر افراد ضعیف و احمق باشد.
و آیا این چیزی نیست که ما در مورد عیسی می دانیم؟
عیسی شبان خوبی است که جان خود را برای گوسفندانش می دهد!
این همان چیزی است که او در یوحنا 10:11 گفت.

(2) دومین موردی که می خواهم در مورد کلمه مسیح ذکر کنم مربوط به عبادت است.
هیروودیس و حکیمان «پرستش» مسیح را ذکر می کنند.
این فکر از کجا پیدا شد؟
مکان های زیادی وجود دارد که می توانید این را پیدا کنید، اما ما امروز فقط به یکی از آنها نگاه می کنیم.
ما آن را به عنوان بخشی از دعوت امروز برای پرستش، از اشعیا 9: 6-7 بیان کردیم.
آنها از پیامبر دیگری می آیند که حدود 50 سال قبل از میکا نوشته شده است.
نام او اشعیا بود.

اشعیا وقتی این را در اشعیا 9: 6-7 می گوید، در مورد مسیح صحبت می کند.

۶ «زیرا برای ما فرزندی زاده شد، و پسری به ما داده شد، و حکومت بر دوش او خواهد بود، و نام او را مشاور شگفت‌انگیز،
خدای توانا، پدر جاودانی، شاهزاده صلح نامیده خواهند کرد.
7 افزایش حکومت و صلح او پایانی نخواهد داشت، بر تاج و تخت داوود و بر پادشاهی او، تا آن را استوار سازد و از این زمان به
بعد و تا ابدالابد به عدالت و عدالت نگاه دارد. غیرت خداوند صباپوت این کار را خواهد کرد.»

مسیحی که در اشعیا وعده داده شد فقط یک پادشاه انسانی نبود.
او «خدای توانا» بود.
او «پدر ابدی» بود.
او «شاهزاده صلح» بود.
حکومت او پایانی نخواهد داشت.
او برای همیشه حکومت خواهد کرد.
این خدا در قالب یک انسان است.
این همان چیزی است که عیسی بارها و بارها در کتاب مقدس ادعا کرده است.

حال می بینید که حکیمان چگونه عیسی مسیح را از دو جهت دیدند؟
اول، در خلقت از طریق ستاره در آسمان.
دوم، آنها در کلام خدا دیدند که عیسی مسیح در شهر کوچکی از بیت لحم متولد خواهد شد.
حالا بیایید به سوال نهایی خود نگاه کنیم...

سوال 3: حکما چه کردند؟

این سوال سه پاسخ دارد.

ج: حکیمان با پشتکار به دنبال عیسی می گشتند.
مهم نیست این مردان از کجا آمده اند، سفر به صحرا در میان بود.
سفر به صحرا هرگز آسان نیست و این مردان حتی نمی دانستند چقدر باید سفر کنند!

ب: حکیمان وقت و گنج خود را برای عیسی قربانی کردند.
و قششان را فدا کردند.

ما نمی دانیم چه مدت آنها آسمان شب را برای نشانه ای از خدا تماشا کردند.
ما همچنین نمی دانیم آنها چقدر سفر کرده اند.
اما می توان مطمئن بود که این چیز کمی نبود!
آنها نیز گنج خود را قربانی کردند.
بیایید به طور خلاصه به آنچه آنها به عیسی دادند، که در آیه 11 می بینید نگاه کنیم.

متی 2:11.

«سپس گنجینه های خود را باز کردند و هدایایی، طلا و کندر و مر را به او تقدیم کردند.»
ما می دانیم که طلا برای چه استفاده می شود.
سکه، جواهرات، حتی برخی لوازم الکترونیکی.
اما دو مورد دیگر برای ما چندان رایج نیستند.
وقتی کندر را می سوزانید، بوی قوی و خوبی می دهد.
در معبد برای عبادت استفاده می شد و بسیار ارزشمند بود.
مر نیز ارزشمند بود و بوی تند نیز داشت.
مر در عطر و روغن استفاده می شد و ثروتمندان هنگام دفن آنها را بر بدن خود می پوشیدند.

اکنون بسیار جالب است که در مورد اینکه چگونه این سه هدیه ممکن است نمادی از زندگی و کار عیسی باشند بحث کنیم. و من شما را به مطالعه در این مورد تشویق می‌کنم. اما متأسفانه امروز ما برای آن وقت نداریم. همین که بدانیم این هدایا بسیار گران قیمت و ارزشمند بوده اند کافی است. این مردان خردمند فقط اندکی به عیسی ندادند. چیزهای بسیار ارزشمندی به او دادند. پس حکیمان از وقت و گنجینه خود فداکاری کردند، اما کار سومی نیز انجام دادند:

ج: عقلا دل به عبادت دادند.

بیایید به آیه 10 نگاه کنیم.

متی 2:10.

«و چون آن‌ها (حکیمان) ستاره را دیدند، بسیار شادمان شدند.» این عبارت کمی عجیب است، ما در انگلیسی زیاد از آن استفاده نمی‌کنیم. اما از آنجایی که عجیب است، موضوع را بیشتر روشن می‌کند. این بچه‌ها واقعاً از انجام این کار خوشحال بودند! کارشان از دلشان بیرون می‌آمد. و دل‌هایشان لبریز از عبادت شد. آنها پسر کوچکی را با چشمان خود دیدند، اما در قلب خود مسیح را دیدند.

و این سه پاسخ به ما یک چارچوب عالی برای اعمال این قسمت در زندگی خود می‌دهد. این ایده بزرگ ما است:

عیسی مسیح موعود است.

او "خدای توانا" در قالب انسان است.

او پادشاهی است که ما را دوست دارد و ما را به عنوان یک شبان‌خوب رهبری می‌کند.

بنابراین ما باید در برابر وسوسه خودخواه بودن مقاومت کنیم (مانند هیرودیس).

در عوض، ما باید همانطور که خردمندان انجام دادند، لذتی را که از انجام سه کار حاصل می‌شود، بپذیریم:

الف: اولاً، وقتی عیسی را در خلقت و مکاشفه با کوشش جستجو می‌کنیم، خوشحال می‌شویم.

کمی وقت بگذارید و واقعاً به دنیایی که خدا ساخته است نگاه کنید.

قدرت، زیبایی، ظرافت، طنز.

اما بیشتر از آن، کمی وقت بگذارید تا وحی خدا را بشناسید.

سال جدید را آغاز می‌کنیم.

بسیاری از ما سعی می‌کنیم عادت‌های جدیدی را شروع کنیم.

از خدا بخواهید که به شما کمک کند تا برنامه‌ای برای شناخت عیسی از طریق کلام او داشته باشید.

راه‌های زیادی برای انجام این کار وجود دارد، و اگر ایده‌ای ندارید، لطفاً از یک برادر یا خواهر بزرگ‌تر برای پیشنهادات بپرسید.

ب: دوم، زمانی که وقت و گنج خود را به عیسی می‌دهیم، خوشحال می‌شویم.

در این سال جدید، کمی وقت بگذارید و به درگاه خدا دعا کنید و از او بخواهید که به شما کمک کند تا در تحلیل چگونگی صرف وقت و گنج خود کمک کنید.
شاید لازم باشد به برخی چیزها بیشتر بپردازید.
شاید لازم باشد به بعضی چیزها کمتر بدهید.
شاید لازم باشد برای برخی چیزها زمان بیشتری صرف کنید.
شاید لازم باشد زمان کمتری را برای چیزهای دیگر صرف کنید.
من برای شما و برای من دعا می‌کنم که خدا به ما عقل بدهد که این چیزها را در نظر می‌گیریم.
آنها بسیار مهم هستند!

ج: سوم، ما از پرستش عیسی لذت می‌بریم.
این پایه و اساس تمام طلب و دادنی است که انجام می‌دهید.
هر چه بیشتر قلب خود را به خدا بسپارید، بیشتر احساس خواهید کرد که شادی او در قلب شما به همه چیز و همه اطرافیان شما سرازیر می‌شود.
این می‌تواند ترسناک باشد، زیرا وقتی قلب خود را به طور کامل به خدا بسپاریم، متوجه می‌شویم که چقدر خودخواه هستیم.
اما در دل خود از عیسی فرار نکنید.
او همان مسیح است، رهبر که مانند گوسفند گمشده از من و شما مراقبت می‌کند.
در او، شما می‌توانید زندگی‌ای داشته باشید که در آن به شدت با شادی فراوان شادی کنید.
بدون توجه به شرایط زندگی.
دعا کنیم

خداوند، از تو سپاسگزارم که از طریق چیزهایی که ساخته‌ای و از طریق کلام خود با ما صحبت می‌کنی.
لطفاً به ذهن ما کمک کنید تا شما را ببیند.
لطفاً به قلب ما کمک کنید تا شما را دوست داشته باشد.
و خواهشمندیم ما را در انجام دستورات نیک خود یاری فرمایید.
ممنون که ما را دوست دارید و دعاهای ما را می‌شنوید.
من این چیزها را به نام عیسی دعا می‌کنم.
آمین